

Islamic Knowledge and Insight

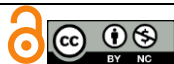
A Comparative Analysis of Verses Related to Christianity and Judaism in the Qur'an

1. Fatemeh Mohammadi: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Hidaj Branch, Islamic Azad University, Hidaj, Iran
2. Soheila Payan*: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran. (Email: sohilapayan@gmail.com)

Abstract

This article examines and proposes a model based on those verses of the Holy Qur'an that refer to Judaism and Christianity. Based on frequency, all Qur'anic verses related to Christianity and Judaism were extracted and analyzed in order to determine—through comparison—whether the Qur'an predominantly addresses Christianity or Judaism. Accordingly, the purpose of writing this article is to determine whether the verses of the Holy Qur'an emphasize Christianity more or Judaism. To examine this objective, the study employed a library-based and descriptive-analytical research method. The findings of this study indicate that the Qur'an affirms the principle of Jewish monotheism in various verses, and it appears that the influential figures of the Jewish people are portrayed with greater prominence in the Qur'an. However, the Qur'an also includes significant criticisms of the Jewish people, their beliefs, their past actions, and the interactions between the Prophet (peace be upon him) and the Jews of the Arabian Peninsula. It is likely that the contemporary Jews residing in Medina during the Prophet's time, and their conduct toward him, played a role in shaping the Qur'anic depiction of Judaism. A substantial number of verses in the Holy Qur'an address this subject. On the other hand, the tone of the Qur'an regarding Christianity is notably more conciliatory and refers to matters that have always held significance within Christian thought. Nevertheless, the Qur'an does not elaborate on the life of Jesus Christ (peace be upon him) in detail. The main research question of this article is: why does the Holy Qur'an devote less attention to Christianity than to Judaism, and can this disparity reflect the social context of the community at the time?

Keywords: Verses of the Holy Qur'an, Judaism, Christianity, Islam.



How to cite: Mohammadi, F., & Payan, S. (2024). A Comparative Analysis of Verses Related to Christianity and Judaism in the Qur'an. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(2), 224-237.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 29 May 2024

Revise Date: 28 July 2024

Accept Date: 03 August 2024

Publish Date: 02 September 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی تطبیقی آیات مرتبط با مسیحیت و یهودیت در قرآن

۱. فاطمه محمدی: استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد هیدج، دانشگاه آزاد اسلامی، هیدج، ایران
۲. سهیلا پایان*: استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.
(پست الکترونیک: sohilapayan@gmail.com)

چکیده

در این مقاله به بررسی و ارائه الگو از آن دسته از آیات قرآن کریم پرداخته می‌شود که به یهودیت و مسیحیت اشاره دارند. براساس فراوانی، هر آن‌چه آیات قرآنی مرتبط با مسیحیت و یهودیت بود، از قرآن استخراج شد و مورد بررسی قرار گرفتند تا با مقایسه آنها، مشخص شود که آیات قرآن بیشتر مرتبط با مسیحیت است یا با یهودیت؟ براین اساس، هدف از نگارش این مقاله این است که تعیین کند آیات قرآن کریم بیشتر بر مسیحیت تأکید دارد یا بر یهودیت. به منظور بررسی این هدف، از روش پژوهش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی استفاده شد. یافته‌های به دست آمده در این پژوهش، نشان می‌دهند که قرآن اصل خدائشناسی یهودی را در آیات مختلف مورد تأیید قرار داده است، و به نظر می‌رسد شخصیت‌های مؤثر قوم یهود، در قرآن از عظمت بیشتری برخوردار هستند. اما قرآن، نقد بسیاری بر قوم یهود، اعتقادات و اعمال گذشته‌شان و برخورد پیامبر (ص) و مسلمانان با یهود جزیره‌العرب دارد. به احتمال زیاد یهودیان معاصر که در زمان پیامبر در مدینه سکونت داشتند و نیز رفتارهایی که با پیامبر (ص) داشتند در ترسیم چهره یهودیت در آیات قرآن مؤثر بوده است. آیات بسیار زیادی در قرآن کریم نازل شده است و از طرف دیگر لحن قرآن نسبت به مسیحیت، لحنی بسیار آرام و به مسائلی اشاره دارد که همواره مورد توجه مسیحیت بوده است. با این وجود قرآن به زندگانی حضرت مسیح (ع) نپرداخته است. پرسش اصلی این مقاله این است که: چرا قرآن کریم به مسیحیت کمتر از یهودیت پرداخته است و آیا این می‌تواند بازتاب وضعیت اجتماعی جامعه باشد؟

کلیدواژگان: آیات قرآن کریم، یهودیت، مسیحیت، اسلام.

شیوه استناددهی: محمدی، فاطمه، و پایان، سهیلا. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی آیات مرتبط با مسیحیت و یهودیت در قرآن معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۲)، ۲۲۴-۲۳۷.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۹ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۷ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۲ شهریور ۱۴۰۳

مقدمه

شباهت‌ها و تمایزهای میان دیدگاه‌های دانشمندان و متخصصان حوزه‌های گوناگون علوم بر سر مفاهیمی به ظاهر مشترک، موجبات نزدیکی یا جدایی آن‌ها را از یکدیگر در حوزه‌های کار و تحقیق به همراه دارد. یکی از این مفاهیم چگونگی ارتباط دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر است؛ چراکه فرهنگ و ارتباطات هر دو فراگیرند و ضرورتی انسانی به‌شمار می‌روند، یعنی هر دو به نوعی پویا هستند و هیچ جامعه انسانی را بدون این دو پدیده نمی‌توان تصور کرد. بنابراین، آنچه در واقعیت بیرونی و در زندگی اجتماعی انسان مشاهده می‌شود، به‌صورتی به هم پیوسته و درهم تنیده بوده که هدف از آن، دستیابی به اقدام هماهنگ بین پیام‌دهنده و گیرنده پیام است (Arzani & Ehtemam, 2015).

قرآن کریم و اسلام، یهودیان و مسیحیان را به‌عنوان فرزندان ابراهیم در نظر گرفته و آن‌ها را «اهل کتاب» توصیف کرده، چرا که تمام ادیان توحیدی از نسل ابراهیم هستند. بدون شک، آموزه‌های دینی و اعتقادی ادیان توحیدی، در کتاب مقدس ایشان منعکس شده است. به عبارت دیگر، هر دینی دارای یک نظام عقیدتی است که این نظام عقیدتی باید با آموزه‌های کتاب مقدس آن دین هماهنگ و هم‌سو باشد. در هر یک از ادیان توحیدی مانند: دین اسلام، مسیحیت، یهودیت و...، متون الهیاتی وجود دارد که پیروان ادیان آن را ضامن هدایت و سعادت دنیوی و اخروی خود و بشر می‌دانند. قرآن کریم، یکی از این کتب و مهم‌ترین آنهاست. چنان‌که، یهودیت و مسیحیت قرآن کریم بارها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

آیات بسیار زیادی (سوره مائده/۲۶-۲۱؛ بقره/۵۵؛ اسراء/۱۵؛ اعراف/۱۵۷؛ توبه/۳۰ و...) درباره یهودیت در قرآن کریم ذکر شده است که به دلیل نقل مکرر داستان بنی‌اسرائیل در آن است. اما آیاتی هم درباره مسیحیت (سوره مائده/۱۱۹-۱۱۶؛ زخرف/۸۶؛ نساء/۱۵۹؛ مائده/۷۳ و...) در قرآن ذکر شده است، اما به طبع کمتر از یهودیت، به آن‌ها اشاره شده و این شناخت از قرآن کریم به‌دست آمده است.

بدیهی است قرآن کریم، منبع اصلی در اسلام برای شناخت دقیق جامعه اسلامی قلمداد می‌شود.

پیشینه تحقیق

رضاپور (۱۳۸۱) در مقاله «یهود از نگاه قرآن»، به دشمنی دیرینه دشمنان اسلام اشاره می‌کند و می‌گوید: از زمانی که اسلام با بعثت پیامبر خدا (ص) طلوع کرد و پرچم حق را برافراشت و پرچم باطل ستیزی را به دست گرفت، قایلیان و نمرودیان قد علم کردند و بنای خشکاندن حقیقت را پی‌ریزی کردند. سپس با استفاده از قرآن و بعضی از تفاسیر به تاربخچه قوم یهود پرداخته و می‌گوید: بنی‌اسرائیل به خاطر این که نسب ایشان به اسرائیل پیغمبر «یعقوب» می‌رسد بنی-اسرائیل خوانده شدند و فراز و نشیب‌هایی از زندگی این قوم و مواردی از ذلت آن‌ها را بیان می‌کند. خداوند این گروه مظلوم و ستم‌دیده را توسط حضرت موسی (ع) از چنگال گروه ظالم و ستمگر فرعونی نجات داد. اما آن‌ها این نعمت‌بزرگ را شکرگذاری نکردند بلکه راه کفر، لجاجت و عناد را در پیش گرفتند و باز گرفتار خشم الهی شدند (Rezapour, 2002).

گلایری (۱۳۸۸) در مقاله «نگاهی به رابطه احکام اسلام با ادیان دیگر»، بحث از حق بودن همه ادیان و مجزی بودن عمل به هر دینی، نشان از عدم فهم درست رابطه ادیان آسمانی با یکدیگر دارد؛ یعنی این که دین جدید از دین قبلی کامل‌تر بوده و از این نظر باید مورد عمل قرار گیرد. به همین جهت، دین اسلام به‌عنوان آخرین دین آسمانی باید مورد عمل واقع شود و دستورات این دین مقدس به-عنوان احکام الهی بر بشر تلقی گردد (Gelayeri, 2005).

واعظ و کاردل ایلواری (۱۳۹۱) در مقاله «تبیین تطبیقی مبانی نظری، شرعی و اخلاقی اسلام، یهودیت و مسیحیت» این مقاله بر آن بوده است تا برای شناخت دقیق و حقیقی دین اسلام از منظر قرآن، ارکان آن را که عبارت از اصول اعتقادات (توحید، نبوت و معاد)، اخلاق و اخلاقیات و قوانین و مقررات است، با ارکان دو دین الهی یهودیت و مسیحیت به‌صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهد (Vaez & Kardel Ilvari, 2012).

اندیشه (۱۳۹۳) در مقاله «وحی در اسلام و مسیحیت و یهودیت» نگاهی هر چند کوتاه به بحث وحی و مطالب مربوط به آن می‌کند و شامل مباحث زیر است: وحی در لغت؛ وحی در اصطلاح؛ وحی از دید اسلام؛ جبرئیل؛ وحی حقیقی؛ علایم حدوث وحی بر پیامبر؛ وحی از دیدگاه مسیحیت؛ وحی در انجیل؛ نزول روح القدس؛ جبرئیل در انجیل؛ عیسی (ع) کلام خدا را می‌شنید و به مردم تعلیم می‌داد؛ وحی در عهد عتیق، یهودیت (Andisheh, 2014).

ارزانی و اهتمام (۱۳۹۴) در مقاله «الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم»، گفتند: در ارتباطات میان-فرهنگی که به عنوان فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف، تعریف شده است، توسل به الگویی که بتواند زندگی اجتماعی انسان‌ها را برای رسیدن به مفاهیم مشترک و زندگی مسالمت‌آمیز همراه با احترام متقابل هموار سازد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش گردید با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل آیاتی از قرآن کریم پرداخته شود که ناظر به ارتباط با مسیحیان بوده و روند تعامل با آن‌ها را بیان می‌کند. یافته‌ها و نتایج تحقیق بیان‌کننده آن است که می‌توان الگویی هفت مرحله‌ای شامل تأیید برخی از مبانی اعتقادی مسیحیان، دعوت به وحدت، بشارت به مسیحیان حقیقی، هشدار و تهدید، دعوت به تفکر، بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب و در نهایت دستور به مباحله و جنگ با آن‌ها را از قرآن کریم استخراج نمود. بنیان و محور اصلی در این الگو یگانگی خداوند است. از این رو، براساس قرآن کریم هر زمان که مسیحیان به این اصل نزدیک شوند با بشارت و احترام و هر جا که از آن دور شوند هشدار، تهدید، نفرین و مباحله را مبنای ارتباط مسلمانان با آن‌ها قرار داده است (Arzani & Ehtemam, 2015).

روش تحقیق

در این تحقیق روش پژوهش به صورت مقایسه‌ای و توصیفی تحلیلی است. جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و تکنیک فیش‌برداری از کتب، مجلات و سایت‌های تخصصی اینترنتی استفاده شده است. در نهایت، اطلاعات مورد نیاز گردآوری و تحلیل شده است.

واژه‌شناسی

مسیحیت

قبل از هر چیز باید به معنای واژه مسیح پردازیم. «عیسی اسم عبرانی یا سریانی است که در ناحیه بیت‌المقدس بوده است» (Tiwari, 1999). لفظ عیسی اصل آن «یسوع» است، به معنی نجات‌دهنده و شاید عیسی تحریف عیسوی باشد. آن به معنی نجات‌دهنده و مقصود مسیح است که لقب حضرت عیسی (ع) است. «لفظ عیسی به مسیح ملقب گشته، زیرا که از برای خدمت به خدا معین گشته، ولی چون قرآن مجید این لقب را قبول کرد، مفهوم خدا در آن ملحوظ نیست» (Qurashi, 2008).

یهودیت

کلمه یهود در انگلیسی از ریشه یونانی «Ioudaios» و ریشه لاتینی «Judaeus» از کلمه عبری «Yehudi» گرفته شده است. یهود^۱ اصلاً به اعضای قبیله جودا یا یهودا اطلاق می‌شده است که نام یهودا فرزند ارشد حضرت یعقوب است. «نام یهودا و یهود خصوصاً از زمان تدوین کتاب مقدس تورات به تمام افراد اسباط دوازده گانه اطلاق شد» (برتراند، ۱۳۷۳: ۳۵). یهودیت در طول زمان‌های مختلف نام‌ها و اسامی متفاوتی را تجربه کرده‌اند و معروف‌ترین آن‌ها عبرانی، بنی‌اسرائیل و یهودی است. با بررسی نوشته‌های عهد عتیق، در می‌یابیم که از زمان پیروان انبیای پس از ابراهیم (ع) سه تعبیر در سه مرحله درباره این قوم به کار برده شده است:

۱) «مرحله اول، با عنوان عبرانیان است که از زمان ابراهیم (ع) آغاز و به زمان یعقوب ختم می‌شود؛

۲) مرحله دوم، با عنوان بنی اسرائیل است که از خاندان یعقوب آغاز و تا حمله پادشاه بابل به اورشلیم و نابودی آن ادامه می‌یابد؛
۳) مرحله سوم، با عنوان یهودیان است که از تبعید بابلی آغاز شده و تاکنون ادامه دارد» (Khalifa & Hassan, 1998; Shaker, 2012).

آیین یهودیت

«اخلاق یهودی هم‌زمان با پیدایش کتاب مقدس عبری^۱ شکل گرفته است. دستورات و احکام شریعت آیین یهود، داستان‌های حکمی و تعالیم پیامبران سرچشمه‌های اصلی اخلاق یهود در کتاب مقدس هستند. البته اخلاق یهود تنها منحصر به آموزه‌های کتاب مقدس نیست، بلکه ابعاد دیگری نیز دارد و شامل اخلاق حاخامی، قرون وسطایی و معاصر می‌شود» (Parcham & Habibollahi, 2013).

براین اساس، یهودیت، آیینی مبتنی بر یکتاپرستی است که موسی رسول الله، بنیان‌گذار آن است. در حالی که حضرت موسی(ع) همانند پیامبران دیگر نظیر عیسی(ع) و محمد(ص) یک پیامبر الهی و مأمور ابلاغ پیام یکتاپرستی به تمامی افراد بشر است، در منابع تاریخی و متون دینی یهود، از ابتدای خروج (از مصر) تا امروز، پیوستگی انفکاک‌ناپذیری میان قومیت و دین یهود وجود دارد و پیروان یهود با نام قوم یهود یا بنی اسرائیل خوانده می‌شوند.

قومیت‌گرایی، پیام تلویحی برتری‌طلبی و تفاخر را در میان قوم القا می‌کند و نمی‌تواند مروج ارزش اصیلی باشد. «کاستل» در تبیین این پدیده معتقد است که انبیای بنی اسرائیل نمودار آرمان وحدت و خلوص حیات قومی هستند. «راسل»، «یهود را تنها قومی می‌داند که به‌واسطه غرور ملی شدیدشان از دیگران جدا بودند و حتی وقتی به تصرف قوم دیگری درآمدند در همه حال به برتری خود اعتقاد داشتند» (Hekmat, 1965).

این که در موقعیتی خاص، اعتقادات با مرزهای جغرافیایی یا ملیت، منطبق - نه مترادف - گردد قابل تصور است؛ اما اینکه همواره قومیت با شریعت الهی منطبق باشد توجیه دینی ندارد؛ زیرا شریعت به انسان مستقل و جدای از قوم مربوط می‌شود. «در حالی که یهود بر این انطباق اصرار می‌ورزد و تلاش دارد تا از آلودگی قومی خود اجتناب کند و گرایش «رفرمیسیم» که جدا شدن یهود از ملل دیگر را ضروری نمی‌داند، به شدت سرکوب می‌شود». در زیر، نمونه‌هایی از عهد عتیق درخصوص این آیین ذکر می‌شود:

«سنت‌های مرا نگه دارید، و مکان مقدس مرا محترم شمارید. من یهوه هستم. به اصحاب اجنه توجه نکنید و از جادوگران پشش ننمایید تا خود را به ایشان نجس سازید. من یهوه خدای شما هستم. در پیش ریش سفید برخیز، و روی مرد پیر را محترم دار، و از خدای خود بترس...». از سوی دیگر؛ همان‌گونه که بیان شد، دین یهود، دینی خدامحور است و اساس بایدها و نبایدهای آن اراده فرامین خداوند است. با این حال در چنین دینی به پاداش و جزای انسان‌ها براساس عملکردشان نیز توجه شده است. از نگاه این کتاب برای کمترین کار جزا و یا پاداشی وجود دارد. در این آیین، فرض این که خدا عادل است، و یا باید عادل باشد، و در خواست پاداش از او مبنای پیام‌هایی است که مزامیر و پاره‌ای دیگر از رسایل انبیا بر آن استوارند. پس به خوبی مشخص است که با عنایت به موارد گفته شده بالا، عهد عتیق یا همان تورات، دستورات و احکام شریعت آیین یهود، داستان‌های حکمی و تعالیم پیامبران سرچشمه‌های اصلی را تشریح کرده است.

رفتار یهودیان با پیامبر (ص) و تاثیر آن بر ترسیم یهودیت

در آیات قرآن

این قسمت بدان جهت از اهمیت وافری برخوردار است چون نوع رفتار یهودیان با پیامبر(ص)، تاثیر زیادی در ترسیم یهودیت در آیات قرآن کریم داشته است.

یهودیت یکی از جریان‌های اصلی اعتقادی مدینه به حساب می‌آمدند که به‌واسطه فراوانی ثروت در منطقه از چیرگی و نفوذ فوق العاده‌ای

¹ Hebrew Bible

بهره‌مند بودند. دیرزمانی از پرتو پرفروغ اسلام بر مدینه نگذشته بود که یهود آفتاب عمر عزّت خویش را رو به افول دید. بر این اساس علم مخالفت و مبارزه با مسلمانان را برافراشت و عزم خویش را برای نابودی آئین نوپای اسلام جزم نمود (Zamani-Mahboub, 2006).

قوم یهود، معامله زیان‌آوری انجام داده‌اند؛ همین که دیدند پیامبر آخرالزمان از میان یهود مبعوث نشد، به او کفر ورزیدند و گفته‌های قبلی خود را انکار نمودند و برای نابودی اسلام برنامه‌ریزی و سازماندهی وسیعی انجام دادند و از همه نیروها و امکانات خود و سایر قبایل عرب بهره گرفتند، اما تمام تلاش‌ها و فعالیت‌های آن‌ها در مسیر مبارزه با پیامبر (ص)، اسلام و مسلمانان به شکست انجامید و حاصلی جز ننگ و ذلت برای آن‌ها در پی نداشت. پیامبر با هوشیاری و اعمال سیاست‌های مدبرانه در قبال توطئه‌ها و دسیسه‌های یهودیان توانست مشکل این قوم را، به عنوان مخالفان اعتقادی و سیاسی مسلمانان، به بهترین نحو حل نماید و جامعه اسلامی را از شر فتنه‌انگیزی این قوم فتنه‌گر مصون دارد.

یهودیان سعی کردند تا میان مردم مدینه اختلاف اندازند و با یادآوری جنگ‌های دوره جاهلیت آن‌ها را متفرق سازند و کاملاً روشن بود که با وجود اعتماد و برادری در بین مسلمین، یهودیان کاری از پیش نمی‌بردند. اما با وجود نفاق و اختلاف در بین آنان، استقرار یهود در منطقه حساس مدینه آسان‌تر می‌شد بنابراین پیامبر با عقد قرارداد عدم تجاوز آن‌ها به مسلمین و قطع ارتباط با قریش سعی در کنترل جبهه یهود داشتند تا به خطری عمده در آینده نزدیک، برای نهضت اسلامی تبدیل نکنند.

با عنایت الهی و مدیریت پیامبر (ص) و ایثار و فداکاری مسلمانان، یهودیان در اکثر جنگ‌ها مغلوب شدند و پس از فتح خیبر، جبهه یهود دچار فروپاشی قطعی شد. اما فتنه‌های آنان هم چنان ادامه یافت و به سبب روحیه قوم‌گرایی و نژادپرستی، نتوانستند در برابر گسترش

اسلام آرام بمانند و به بهانه‌های مختلف پیمان را نقض کردند. بعد از پیامبر اکرم نیز یهودیان تمام همت خود را به کار بستند تا با همکاری خلفای منافق و غاصب، ائمه معصومین (ع) را از رسیدن به حق خویش محروم سازند و در آخر هم با به شهادت رساندن آن‌ها از خدا و رسولش انقام بگیرند!

یهودیت در قرآن

خدای تعالی خطاب به نوادگان یعقوب (ع) می‌فرماید: «یا بَنی إِسْرَئِیلَ... اَنتِیْ فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ» (بقره/۴۷)؛ ای بنی اسرائیل... شما را بر جهانیان برتری دادم. خطاب این آیه قطعاً شامل یهودیان دوران پیامبر اسلام (ص) و پس از آن نیست، بلکه شامل پیروان پیامبرانی؛ مانند موسی و عیسی (ع) است که در زمان خودشان، مکلف به پیروی از این رسولان الهی بودند. هم‌چنین مراد از برتری بر جهانیان، برتری بر همه انسان‌ها در تمام ادوار تاریخ نیست، بلکه مراد برتری یهودیان مومن در زمانی که دین یهود در آن زمان حجت بود، بر دیگر انسان‌های همان برهه از تاریخ است.

قرآن مجید یهودیت را در کنار مؤمنان و حتی در صدر لیست اقوامی قرار داده است که به خدا ایمان دارند و بیشتر از هر قوم و دین دیگری در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته‌اند. (سلیمانی، ۱۳۸۷) «شخصیت‌های مهم، حوادث تاریخی، قوم اسرائیل، عقاید و اعمال یهودیت و نیز متون مقدس یهودی مکرر در قرآن مطرح شده، مورد داوری قرار گرفته و تایید و تصدیق شده یا این که مورد نقد قرار گرفته‌اند». (همان: ۴۲) هم‌چنین قرآن کریم با اشاره به این وجه اشتراک، یعنی یگانه‌پرستی و پرهیز از شرک، از پیروان این دو دین خواسته است تا بر مبنای این کلمه مشترک، به هم‌گرایی روی آورند. در قرآن نوری که موسی (ع) از جیب خود بیرون می‌آورد، یکی از اعجازهای نبوت است (بقره: ۶۴) لوح (ده فرمان) در قرآن یک بار به موسی (ع) اعطا می‌شود (سفر خروج، باب ۳۴: ۳۵-۳۱)

¹ <https://www.porseman.com/article/>

یهود در طول تاریخ در مقابل دشمن مقاومت نمی‌کند و به زودی تابع می‌شود. تاریخ یهود بین قرن‌ها تابعیت رسمی و غیررسمی است: از بابل تا پایان قرون وسطی. قرآن نیز به عدم تمایل در جنگ با دشمن (حشر/۱۳-۴) و «هراس عمیق ایشان از جنگ و میل ایشان به گریز اشاره کرده است» (Rezapour, 2002). چنین انعطافی، چهره یهود را در طول تاریخ چهره‌ای منفعل ساخته است.

آیین مسیحیت

«شالوده مسیحی به قرن یکم میلادی و یهودیت برمی‌گردد» که توسط عیسی ناصری (مسیح) پایه‌گذاری شد. مسیحیت اولیه به سه دوران عیسی و رسالت^۱، پدران اولیه کلیسا^۲ و دفاعیات^۳ تقسیم می‌شود. این سه دوره را بازه زمانی ۴۰۰ ساله‌ای در بر می‌گیرند که از سال ۳۰ میلادی به عنوان شروع خدمت مسیح آغاز شده و در اواخر قرن ۴ میلادی به پایان می‌رسد (Tiwari, 1999). در قرن نخست مسیحی و در اولین دهه‌های پس از مسیح نزاع الهیاتی میان مسیحیان در گرفت. اما نزاع خاتمه نیافت و در سده‌های دوم و سوم بیشتر به شکل نزاع‌های فرقه‌ای بروز کرد. در میان طرف‌های درگیر، برخی شخص پولس و نظام الهیاتی او را از اصل و بنیان قبول نداشتند. مثل: فرقه‌های «ابیونی‌ها» و «ناصریان» که هم‌چنان به رعایت شریعت موسوی پایبند بودند.

به‌طور کلی، «مسیحیت از بزرگ‌ترین ادیان زنده جهان است که در یک نوع تقسیم‌بندی در شاخه ادیان غربی یا ادیان سامی می‌گنجد. این دین با دو دین هم خانواده‌اش (یهودیت و اسلام) به‌واسطه این که اصل خود را به ابراهیم خلیل برمی‌گردانند، ادیان ابراهیمی خوانده می‌شوند. با این که مسیحیت در بسیاری از اصول با دو دین دیگر شباهت دارد، اما اختلافش با آن دو بسیار بیشتر از تفاوت آن دو دین با همدیگر است. مسیحیت دارای اصولی است که با دو دین دیگر به‌طور ریشه‌ای متفاوت است. با این حال در مورد برخی اصول از جمله؛ دو اصل اساسی مبدا و معاد اختلاف اندکی بین سه

دین دیده می‌شود و برخلاف اصول دیگر تنها همین دو اصل است که در تاریخ مسیحیت مورد مناقشه فرقه‌ای قرار نگرفته است. نظام عقیدتی این آیین در طی قرن‌های گذشته به شکل کنونی درآمده و در پی همین مناقشات فرقه‌های متعددی با اندیشه‌ها و اعمال متنوع پدید آمده است» (Cox, 1999).

۹- مسیحیت در قرآن

عیسای قرآن، انسانی است که از جانب خداوند به او وحی شده است، در بیشتر موارد قرآن، «مسیح» با نام دوم عیسی «ابن مریم» «نصارا» ذکر شده است.

قرآن تأکید می‌کند که عیسی به‌صورت معجزه‌آسایی از مادرش مریم متولد شده است و پدر ندارد و در مورد تولد معجزه‌آمیز عیسی می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ. قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. وَيَعْلَمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (آل عمران/۴۵۴۸) چنین بود که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه خویش که نامش عیسی مسیح فرزند مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان (الهی) است، بشارت می‌دهد. او در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است. [مریم] گفت پروردگارا چگونه مرا فرزندی باشد، حال آن که دست هیچ بشری به من نرسیده است؛ گفت خداوند بدین‌سان هر چه را بخواهد می‌آفریند؛ [و] چون اراده او به کاری تعلق گرفت، به آن می‌گوید موجود شو، و بی‌درنگ موجود می‌شود و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد.

آیات شریفه‌ای که عقائد باطل مسیحیان درباره مسیح (ع) را بیان می‌کنند و آن‌چه قرآن کریم از مسیحیان در این‌باره حکایت کرده و یا به آنان نسبت داده، سخنانی است که آیات زیر بیان‌گر آن‌ها است:

³ Apology

¹ Jesus and Apostolic period

² Apostolic Fathers period

۱ - «وقالت النصارى المسيح ابن الله»

که به حکم این آیه مسیحیان گفته‌اند مسیح پسر خدا است و آیه: «و قالوا اتخذ»، عبارت اخراجی همان آیه است،

۲ - «لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم»

به حکم این آیه مسیحیان رسماً مسیح را خود خدا دانسته‌اند،

۳ - «لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة»

در این آیه که بعد از آیه ۷۲ قرار گرفته، خدا را سومین خدا از خدایان سه گانه دانسته‌اند، آیه: «ولا تقولوا ثلاثة انتهوا»

هم به همین معنا اشاره دارد. قرآن مجید در عین حال که مسیحیان را موحد به حساب می‌آورد، در عین حال تثلیث مسیحیت رایج را نیز رد می‌کند.

تقابل اصلاح گرایانه قرآن با تفکر مسیحیت در آیه ۱۵۷ نساء است که خداوند مسئله عدم صلیب کشیده شدن عیسی (ع) را مطرح می‌کند. «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا»؛ و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می‌کنند، و یقیناً او را نکشتند» خداوند در این آیه مطلق صلیب را نفی نمی‌کند بلکه می‌فرماید او به صلیب کشیده نشد و این امر مشتبه شد. اما چرا خداوند تأکید دارد از عدم صلیب کشیده شدن عیسی (ع) صحبت کند؟ زیرا خداوند می‌خواهد با یک امر الهیاتی و اعتقادی منفی که در مسیحیت رسوخ کرده بود، مقابله کند. یعنی جدای از بحث تاریخت صلیب کشیده شدن عیسی (ع)، مسیحیان موضوع تصلیب را به صورت امری الهیاتی درآوردند و آن را پایه تفکر و اعتقادات خودشان قرار دادند و از این طریق انحراف و بدعت بزرگی در دین مسیحیت به وجود آوردند.

در این باره قرآن نیز سخن گفته است: (مائده آیات ۴۵ و ۴۴) آن چه قرآن در این آیات از تورات نقل می‌کند یک نمونه از مقررات بی‌شماری است که در آن کتاب آسمانی تدوین شده است و حضرت موسی (ع) و پس از او سایر پیغمبران بنی اسرائیل، در طول چند قرن، زندگی اجتماعات را با آن اداره نموده‌اند.

بررسی تطبیقی آیات مرتبط با مسیحیت و یهودیت در قرآن

۱- در یک نگاه کلی آیات مربوط به یهود در قرآن را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

الف) عقاید و باورهای یهود که شامل اذیت و آزار مؤمنین در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران، عقیده یهود در مورد خودشان در آیه ۱۸ سوره مائده، عقیده یهود درباره خداوند در آیه ۶۴ سوره مائده، طغیان و سرکشی یهود در آیه ۴ و ۵ سوره اسراء، قساوت و سنگدلی در آیه ۷۴ سوره بقره، ایمان نداشتن به نبوت در آیه ۵۵ سوره بقره، کفران نعمت در آیه ۶۱ سوره بقره، کشتار انبیاء در آیه ۶ سوره ابراهیم، اذیت و آزار پیشوا و رهبری در آیه ۵ سوره صف، عهد شکنی در آیه ۱۳ سوره مائده، تحریف کلام خداوند در آیه ۱۳ سوره مائده و تفرقه افکنی بین مؤمنین در آیه ۱۰۷ سوره توبه است.

ب) کارشکنی‌ها و فعالیت‌های تخریبی علیه مسلمانان که شامل پناه دادن به عناصر ضد الهی در آیه ۱۰۷ سوره توبه، آواره کردن شهروندان در آیه ۸ سوره منافقون، سیاست محاصره اقتصادی در آیه ۷ سوره منافقون و عدم خرسندی از مسلمانان مگر با پیروی از یهود در آیه ۱۲۰ سوره بقره است.

۲- در یک نگاه کلی آیات مربوط به مسیحیت در قرآن را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

الف) تأیید برخی از مبانی مسیحیان (کتاب انجیل، حضرت عیسی (ع)، حضرت مریم (س) و حواریون) که شامل:

۱- آیات مربوط به تأیید حضرت عیسی (ع) به همراه ویژگی‌های ایشان در آیه ۲۵۳ و ۷۴ سوره بقره، در آیه ۴۹، ۴۸، ۷۵ و ۴۵ سوره

۱۲۰ و ۱۳۵، ۱۴۰ سوره بقره، در آیه ۷۰ و ۷۱ سوره مائده، در آیه ۱۳۱ و ۱۷۲ سوره نساء.

ج) دعوت مسیحیان به تفکر

در آیه ۵۹، ۶۵ سوره آل عمران، در آیه ۱۱۶ و ۱۱۱ سوره بقره، در آیه ۱۷۱ سوره نساء، در آیه ۷۵، ۷۶، ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۸ سوره مائده، در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره آل عمران، در آیه ۳۵ سوره مریم و در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره توبه.

چ) بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب

در آیه ۱۰۹، ۱۴۵، ۱۰۵، ۱۵۹، ۱۷۵، در سوره بقره، در آیه ۵۴ در سوره نساء، در آیه ۱۴ در سوره شوری، در آیه ۱۶ در سوره حدید، در آیه ۵۸، ۵۹، ۵۷، ۷۲، ۷۳، ۶۰ و ۵۱ سوره مائده.

رابطه یهودیت و مسیحیت

آن‌گونه که از آیات قرآن کریم بر می‌آید، پیروان ادیان یهود و مسیحیت، همواره با هم اختلاف نظر داشته و در گفت‌وگوهای خود، یکدیگر را نفی کرده و مورد نکوهش قرار می‌داده‌اند. گفت‌وگوهای یهود و مسیحیت، بیشتر بر اساس برتری‌جویی و طرد و نفی طرف مقابل صورت می‌گرفته است. «و قالت اليهود لیست النصارى علی شیء و قالت النصارى لیست اليهود علی شیء» (بقره: ۱۳۹)

یهودیان گفتند: مسیحیان هیچ پایه و موقعیتی ندارند و مسیحیان نیز گفتند: یهودیان هیچ موقعیتی ندارند. گفت‌وگوهایی که بر مبنای برتری‌طلبی و به منظور نفی و طرد صورت گیرد، طبیعی است که هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده و شکاف‌ها را عمیق‌تر خواهد ساخت. بدین رو در ادامه همان آیه، اختلاف و نزاع پیروان این دو دین را دائمی دانسته که داوری بین آنان را خداوند در روز قیامت انجام خواهد داد: «فالله یحکم بینهم یوم القیامة فیما کانوا فیه یختلفون» خداوند در روز قیامت، در آنچه اختلاف ورزیدند، میان‌شان داوری خواهد کرد. این امر نشان‌گر این واقعیت است که اختلاف یهود و مسیحیت تا قیامت ادامه خواهد یافت و هیچ‌کدام از مواضع‌شان دست نخواهند کشید و در گفت‌وگوها از اصول و معیارهای صحیح سود نبرده و در نتیجه به تفاهم نمی‌رسند. پیروان ادیان یهودیت و مسیحیت، در

آل عمران، در آیه ۸۵ سوره انعام، در آیه ۳۰ و ۶۳ سوره مریم، در آیه‌های ۸-۶ و ۱۴۹ سوره صف است.

۲- آیات مربوط به حضرت مریم (س) در آیه ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۳، ۴۷ و ۴۵ سوره آل عمران، در آیه ۷۵، ۱۷ تا ۳۳ سوره مریم، آیه ۹۱ سوره انبیاء، در آیه ۵۰ سوره مومنون، در آیه ۵۹ سوره زخرف و در آیه ۱۲ سوره تحریم است.

۳- آیات مربوط به کتاب انجیل

در آیه ۹۷ در سوره بقره، در آیه ۳ در سوره آل عمران، در آیه ۴۷ در سوره نساء، در آیه ۱۷ و ۴۸ سوره مائده، در آیه ۹۲ سوره انعام، در آیه ۲۷ سوره یونس، در آیه ۱۱۱ سوره یوسف، در آیه ۳۱ سوره فاطر و در آیه ۱۳۶ سوره نساء است.

۴- آیات مربوط به مؤمنان و حواریون

در آیه ۵۲ سوره آل عمران، در آیه ۱۱۱ سوره مائده، در آیه ۱۴ ص و در آیه ۱۱۲-۱۱۴ سوره مائده است.

ب) دعوت به وحدت مسیحیان و مسلمانان

در آیه ۱۳۵ سوره بقره، در آیه ۸۴، ۲۰ و ۶۴ سوره آل عمران، در آیه ۱۲۳، ۱۶۳ سوره نساء، در آیه ۴۶ سوره عنکبوت، در آیه ۵ سوره مائده، در آیه ۱۳ سوره شوری، در آیه ۶۳ و ۶۴ سوره زخرف و در آیه ۳۱ سوره مدثر، در آیه‌های ۶-۱ سوره بنيه است.

پ) مباحله و دستور به جنگ با مسیحیان

در آیه ۱۷۹ سوره اعراف، در آیه ۶۱ و ۶۱ سوره آل عمران و در آیه ۲۹ سوره توبه است.

ت) بشارت به مسیحیان مومن و تابع حق (هدایت شده)

در آیه ۵۵، ۷۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۹۹، ۶۵ و ۶۶ سوره آل عمران، در آیه ۶۲ سوره بقره، در آیه ۸۳، ۶۵ و ۸۵ سوره مائده، در آیه ۱۵۹ سوره نساء، در آیه ۵۲ و ۵۳ سوره قصص، در آیه ۲۹ سوره فتح، در آیه ۱۰۷ سوره اسرا و در آیه ۱۱۱ سوره توبه است.

ث) هشدار و سؤال از مسیحیان

در آیه ۴۷، ۵۲ سوره نساء، در آیه ۹۹، ۹۸ و ۶۷ سوره آل عمران، در آیه ۱۵۲ سوره اعراف، در آیه ۱۱۴، ۱۴۶ و ۲۰ سوره انعام، در آیه

رویاری با یکدیگر و گفت‌وگوهای‌شان، همواره در صدد برشمردن افتخارات و امتیازات موهوم و ساخته ذهن خودشان بودند. هر دو گروه خود را به پیامبران الهی و حضرت ابراهیم منتسب کرده و بدین فخر و مباهات می‌کردند. قرآن کریم آنان را در این باره نکوهش نموده و از گفت‌وگوهای بیهوده منع کرده است. «یا اهل الکتاب لم تحاجّون فی ابراهیم و ما أنزلت التوریه و الإنجیل إلا من بعده أفلاتعلون» (آل عمران: ۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفت‌وگو و نزاع می‌کنید [و هر کدام او را پیرو آیین خود معرفی می‌کنید] درحالی که تورات و انجیل پس از او نازل شده است. آیا اندیشه نمی‌کنید؟ «ها أنتم هؤلاء حاجبتم فیما لکم به علم فلم تحاجّون فیما لیس لکم به علم والله یعلم و أنتم لاتعلمون» آل عمران/ ۶۶ شما کسانی هستید که درباره آن‌چه نسبت به آن آگاه بودید نزاع و ستیز کردید. چرا درباره آن‌چه آگاهی ندارید با هم گفت‌وگو می‌کنید؟ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. «أم تقولون إن ابراهیم و اسماعیل و إسحاق و یعقوب و الأسباط كانوا هوداً أو نصاری قل ءأنتم أعلم أم الله» (بقره: ۱۴۰)

آیا می‌گویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان، یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: آیا شما آگاه‌ترید یا خدا؟ در ارتباط با گفت‌وگوهای پیروان ادیان یهود و مسیحیت، چند نکته به روشنی در قرآن کریم به چشم می‌خورد: ۱. بیشتر گفت‌وگوهای آنان به صورت رو در رو و مستقیم نبوده، بلکه حالت تبلیغاتی داشته که گفته‌ها و شنیده‌های همدیگر را نفی و بی‌پایه تلقی می‌کرده‌اند. ۲. این گفت‌وگوها و ادعاها بیشتر بدون دلیل و برهان بوده و به منظور پاسخ دادن به طرف دیگر بوده است. ۳. برتری‌طلبی، افتخار به میراث گذشته، داشتن مال و ثروت، قرابت به خداوند و... محورهای اصلی در این گفت‌وگوها می‌باشد که به‌طور نمونه به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱. انحصاری بودن بهشت

یهود و نصارا هر دو مدعی انحصاری بودن بهشت برای خودشان بوده‌اند. «و قالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هوداً أو نصاری»

بقره/ ۱۱۱ آن‌ها گفتند: هیچ‌کسی، جز یهود و یا نصارا داخل بهشت نخواهد شد. مفسران ذیل این آیه می‌نویسند: این تعبیر به نحو ایجاز است و تقدیر آن چنین است: یهود گفتند: داخل بهشت نمی‌شود جز یهودی، و نصارا گفتند: داخل بهشت نمی‌شود مگر نصرانی. بدون تردید با توجه به اختلاف عمیق و شدید آنان با یکدیگر، هیچ‌گاه حاضر نبودند تا به نفع طرف مقابل سخن بگویند. در حقیقت، ادعاهای آن‌ها به سود خودشان بوده است.

۲. هدایت ویژه یهود و نصارا

از دیگر ادعاهای آنان این است که خودشان را هدایت یافته، سعادت و هدایت بشریت را در گرو پیروی از آیین خودشان می‌دانستند. «و قالوا کونوا هوداً أو نصاری تهتدوا» (بقره: ۱۳۵) گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا به راه راست افتید. این آیه نیز به صورت ایجاز بیان شده است، در واقع ادعاهای جداگانه یهود و مسیحیت درباره آیین خودشان است.

۳. فرزندان و دوستان خدا

پیروان یهود و مسیحیت، به عنوان افتخار و امتیاز، خود را فرزندان و دوستان خدا می‌پنداشتند: «و قالت الیهود و النصاری نحن أبناء الله و أحباؤه» (مائده: ۱۸)

یهود و نصارا گفتند: ما فرزندان و دوستان خداییم. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «شکی نیست که یهودیت ادعای فرزندی حقیقی برای خداوند نکرده‌اند و به‌طور جدی خود را فرزند خدای تعالی نمی‌دانند؛ آن گونه که بیشتر مسیحیان، مسیح را فرزند خدا می‌دانند. پس این که در این جمله حکایت کرده که یهود و نصارا ادعا کرده‌اند ما فرزندان خدا و دوستان اویم، منظور فرزندی حقیقی نیست، بلکه منظورشان این است که با نوعی مجازگویی، شرافتی برای خود بتراشند».

اصول مشترک بین مسیحیت و یهودیت در قرآن

هر دو دین اسلام، یهود و مسیحی قائل به خداوند یکتایی هستند. هر دو دین قائل به توبه گناه‌کاران هستند، هر دو دین قائل به توبه گناه‌کاران هستند، هر دو دین اعتقاد به ناجی دارند، هر دو دین قائل

به توبه گناه کاران هستند، در هر دو دین ازدواج امری مقدس است، در هر دو دین، زنا، سرقت، شهادت دروغ، قتل و... حرام است؛ تکامل مفهوم خدا، تکامل مفهوم معاد و تکامل مفهوم رسالت سه اصل مهم بین مسیحیت و یهودیت در قرآن است:

۱- تکامل مفهوم خدا

از دیدگاه یهود: در تورات، خداوند حقیقتی نوشونده است. فرمانروای فرمانروایان است. مایه قوام و استواری آفرینش است. او خدای جهان مادی است. در تورات کمتر از قیامت سخنی به میان آمده. گویی انسان تنها برای همین زندگی پای به جهان آفرینش گذارده است. چه، این تصور، خداوند را خدای عالم مادی، خدای طلا و نقره، خدای حکمرانی و سخت گیری، خدای مدیریت و سیاست، و خدای فرمانروا و اداره کننده می داند.

از دیدگاه مسیحیت: مفهوم خداوند را، علاوه بر صفات فوق، این گونه می یابیم: اول و آخر، آگاه و دانا، ظاهر و باطن، پناه دهنده و بزرگ، دارای اسماء حسنی، والاتر از هر گونه توصیف و نزدیک تر از نزدیک؛ هم معنا با آیه: چون بندگان من درباره من از تو پرسند، بگو که من نزدیکم. این مفهوم کمالی و غیر سلطه مدارانه، مفهومی عاطفی و عقلانی است. در این مفهوم از مدیریت، خلقت، بزرگی و سلطه مداری خبری نیست، بلکه قضیه، قضیه تربیت و آرمانها است، قضیه همه عالم است، قضیه اکتساب صفات خداست، چه، عبادت بر صفات الهی فرد می افزاید. او داناست، ما نیز داناتر می شویم. او مهربان است، ما نیز مهربان تر می شویم. او قوی است، ما نیز قوی تر می شویم... یعنی هر اندازه به خدای متعال نزدیک تر شویم، صفات بیشتری از او اکتساب می کنیم. و کلید این نزدیکی همان قصد قربت است که مسلمان باید در تک تک کارها به همراه داشته باشد.

۲- تکامل مفهوم معاد

از دیدگاه یهود: مفهوم معاد نزد یهود مبهم است. در نظرگاه اینان نمی توان میان معاد و مکافات دنیا تفاوت گذاشت. چه، در نظر اینان، به کرده های انسان در همین زندگی دنیوی ثواب و عقاب داده می شود. هر چند در تورات از کیفر و مجازات سخن به میان آمده

است، اما تفکیک میان کیفر حکومتی و عقاب دینی امری دشوار است. به هر حال، مفهوم مزبور نشانگر تحول توجه انسان به کیفر و مکافات است.

از دیدگاه مسیحیت: در نظر مسیحیت، معاد مکافاتی است روحانی، و چیزی است شبیه ناراحتی وجدان یا آرامش دل. این تلقی، از تلقی یهود بسی عمیق تر و پیشرفته تر است.

۳- تکامل مفهوم رسالت:

از دیدگاه یهود: تکیه یهود تنها بر زندگانی این دنیا بوده است و الگو و آرمان او انسانیت است که تنها دل مشغولیش سیر شدن است. از دیدگاه مسیحیت: پس از آن مسیح می آید. او آدمی را اوج می دهد و متوجه آسمانها و معنویت می کند و می فرماید: «جنت لاکمل الناموس لا لانقضه»

تفاوت مسیحیت و یهودیت

«یهودیت دینی توصیه ای است و معتقد است که به جز خدای یکتا هیچ خدایی وجود ندارد، همه چیز بنا برخواست او انجام می گیرد، با مردم سخن می گوید و به نیایش و دعای آنها پاسخ می دهد و وجود او برای انسانها پوشیده و درک ناشدنی است». (تیواری، ۱۳۸۱: ۱۲۳) در حالی که مسیحیت آیینی است که پیروانش را به خدای پسر و روح القدس هم علاوه بر خدای بزرگ و پدر آسمانی فرا می خواند و البته اصرار دارد که خود را موحد بخواند شائبه شرکی که در عقیده تثلیث موجود است را به نحوی توجیه نماید که واقعاً غیرممکن است و مسیحیان را چاره جز این که تثلیث را یک راز معرفی نمایند نمانده است. یهودیت حضرت موسی علیه السلام را اگر چه وجودی برتر می داند، اما هرگز این پیامبر بزرگ را خدا نمی داند، بلکه او را عبدی از عباد صالح خدا می شمارد که شایستگی نبوت و پیامبری از سوی خدا به بنی اسرائیل را یافته است که وحی الهی بر او نازل می شود. اما مسیحیت نبوت عیسی را به نحوی انکار می کنند چرا که معتقدند که این گفته بی معنایی است که کتابی بر آن حضرت نازل شده باشد، «چون کتاب وحی است و در وحی خدا خود را بر انسان کشف می کند در مسیح خدا خود را مکشوف ساخته، پس مسیح خودش

وحی است» (Soleimani, 2008; Soleimani & Soleimani, 2002).

یهودیت مثل اسلام حاوی شعائر و احکام و حدود شرعی است، احکام ۶۱۳ گانه تورات که اوامر آن ۳۶۵ فرمان و نواهی آن ۲۴۸ فرمان است. مورد عمل و اجرای اکثریت یهودیان جهان است. و علما و فقه‌های یهود با تمام توان در حفظ و ترویج آن میان قوم خود می‌کوشند. اما در مسیحیت مسئله‌ای به نام حدود و احکام شرعی را بند اسارت می‌دانند. «پولس»^۱ رسول شریعت یهود را یک‌سره محکوم و ملعون می‌داند. وی می‌گوید مسیح ما را از لعنت شریعت خرید به این وسیله که خود برای ما ملعون شد. زیرا در کتاب آمده است که آن‌که به دار آویخته است ملعون است. عیسی مسیح ما را از لعنت آزاد ساخت. اوست که ظهورش پایان دوران اعتبار شریعت را اعلام می‌کند و همه مؤمنین را فرزندان ابراهیم و شریک در برکت موعود می‌نماید. «یهودیان تابع شریعت همه بنده و برده و در بند شریعت بودند و با ایمان به مسیح از این بند آزاد خواهند شد» (Ashtiani, 1989).

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی اشاره‌ها و تصریحات قرآن می‌توان نتیجه گرفت؛ هرچند قوم یهود، در قرآن با واژه‌ها و عبارات مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی بررسی این واژه‌ها و عبارات در آیات مختلف،

Abrahamic heritage, the Qur'an engages with Judaism far more extensively and critically than it does with Christianity. Several factors contribute to this disparity, notably the historical presence of Jews in Medina during the time of Prophet Muhammad, their frequent interactions—often adversarial—with the Muslim community, and the socio-political ramifications of these interactions. Scholars have shown that the Qur'anic portrayal of Jews incorporates not only theological divergence but also a history of betrayal, manipulation, and

نشان می‌دهد، این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: انکار خدا، تجاوزگری، پوشاندن حقایق، نافرمانی در برابر خدا و پیامبران، گرایش به مادیات، تکبر، پیمان شکنی، عداوت و دشمنی، استهزاء، ضلالت و اضلال، اختلاف، جهالت، ترس، حسادت و نفاق است. و قوم مسیحیت، در قرآن با واژه‌ها و عبارات مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی بررسی این واژه‌ها و عبارات در آیات مختلف، نشان می‌دهد، این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مؤلفه‌های معنایی «مسیحیت» در قرآن اعم از مؤلفه‌های انحراف مسیحیت از توحید، کفر مسیحیت، تکذیب اخبار انجیل مبنی بر کشتن حضرت مسیح(ع)، پرداختن به مسئله تثلیث و تصلیب.

با دقت و تعمق در متون مقدس یهودیان و مسیحیان می‌توان به این نتیجه دست یافت که علت این انحراف از توحید حقیقی، تحریفات و تغییرات وارد شده در طول قرن‌ها به این متون است، در حالی که قرآن تنها کتاب آسمانی است که از این مقوله در امان بوده و از خطا و انحراف و تحریف به دور مانده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The comparative study of religious themes in the Qur'an provides a valuable lens for understanding the dynamic between Islam and earlier Abrahamic faiths, specifically Judaism and Christianity. This article aims to scrutinize Qur'anic verses referencing these two religious traditions in order to assess the intensity and orientation of Qur'anic discourse toward each. A key finding of the study is that, although both traditions are recognized as "People of the Book" and are linked through their

^۱ پاولوس یا پولس رسول کسی است که در مورد شخصیت وی گفته شده است که او در واقع بنیان‌گذار مسیحیت فعلی است و تعدادی از نامه‌های وی در کتاب انجیل به‌عنوان کتاب مقدس حائز اهمیت است.

opposition, making Judaism an immediate and local concern for the nascent Muslim polity (Rezapour, 2002; Zamani-Mahboub, 2006). In contrast, Christianity, despite sharing similar monotheistic roots and theological divergence—especially concerning the divinity of Jesus and the doctrine of Trinity—is approached in a relatively conciliatory tone. While the Qur'an corrects what it perceives as Christian theological errors, such as the divinization of Jesus (Soleimani, 2008), it also emphasizes shared values, offers praise for devout Christians, and encourages interfaith dialogue based on monotheistic common ground (Arzani & Ehtemam, 2015).

The methodological approach of this study was descriptive-analytical, utilizing library-based research and content analysis of selected Qur'anic verses. Primary data were extracted through a thematic categorization of verses directly referring to Jews and Christians, which were then quantitatively compared to determine prevalence and qualitative characteristics. This method enabled the identification of textual patterns and underlying theological principles in Qur'anic references. Specific attention was paid to contextual factors that may have influenced the intensity or tone of these references, such as the socio-historical setting of the verses and the Qur'an's evolving interaction with external religious communities. For Judaism, the analysis highlighted frequent repetition of narratives involving the Israelites, Moses, and theological disputes, suggesting a strong scriptural emphasis on moral lessons and religious critique. For Christianity, the study explored both affirmation—particularly in the cases of Jesus and Mary—and critique, notably on issues of theological excesses. In analyzing both sets of verses, the study employed a cross-comparative technique that emphasized contrasts in treatment, quantity, theological critique, and narrative richness.

The findings indicate that the Qur'an contains a significantly greater number of verses related to Judaism than Christianity, with the former often appearing in the context of historical narrative,

ethical commentary, and theological admonition. These verses encompass themes such as covenant breaking (Qur'an 5:13), persecution of prophets (Qur'an 2:91), arrogance and materialism (Qur'an 2:96), and conspiracies against the Prophet Muhammad (Qur'an 63:8). Furthermore, Jewish ethical and ritual deviations are extensively detailed, particularly regarding the manipulation of divine scripture and refusal to accept subsequent revelation. The analysis reveals a dual structure: on one hand, Jewish monotheism and prophetic lineage are affirmed; on the other hand, severe critiques dominate, particularly concerning moral failures and historical betrayal (Gelayeri, 2005). Christianity, by contrast, receives affirmation for its belief in Jesus and Mary, references to the Injil (Gospel), and recognition of Christian virtue among certain believers (Qur'an 5:82). However, doctrinal issues such as the Trinity (Qur'an 5:73) and deification of Jesus (Qur'an 4:171) are strongly opposed. Despite these theological disagreements, the Qur'an often calls Christians toward unity on the basis of shared monotheistic belief (Qur'an 3:64), suggesting a more reconciliatory posture. Thus, while criticism exists in both cases, its volume and tone differ markedly.

A significant part of the analysis addresses the socio-political reasons for the Qur'an's more extensive engagement with Judaism. During the Prophet's lifetime, several powerful Jewish tribes resided in Medina, and many episodes of Qur'anic revelation are contextualized in relation to their interactions with the Muslim community. These included attempts at political sabotage, breaking of treaties, and incitement of tribal conflicts, which in turn elicited Qur'anic responses ranging from critique to military directives (Zamani-Mahboub, 2006). These episodes were historically situated and had immediate implications for the Muslim state. In contrast, Christianity, though doctrinally significant, lacked a strong physical presence in the Arabian Peninsula and posed less of an immediate political threat. Hence, Qur'anic references to Christianity are more general and theological in nature. Moreover, Christianity's widespread

influence in regions beyond Arabia likely made the Qur'an adopt a more dialogical tone. This distinction in local proximity and threat perception appears to have shaped the Qur'an's treatment of each religion, contributing to the textual imbalance between references to Judaism and Christianity.

The study also explores the broader implications of Qur'anic portrayal of Christianity and Judaism for interfaith engagement. It finds that while the Qur'an critiques both traditions, it maintains a nuanced and layered approach. In the case of Judaism, this includes both acknowledgment of divine favor—such as the chosen status of the Israelites in certain eras—and harsh criticism for moral and doctrinal failings. The duality of recognition and reproach serves as a moral lesson for the Muslim audience, emphasizing the consequences of spiritual arrogance and disobedience. For Christianity, the Qur'an recognizes shared beliefs and calls for mutual understanding, especially on the principle of monotheism (Vaez & Kardel Ilvari, 2012). It also warns against theological deviation, such as the belief in Jesus as the son of God (Tiwari, 1999), and the institutionalization of Trinitarian doctrine, but does so with an underlying appeal for correction rather than condemnation. This indicates that while the Qur'an does not refrain from criticism, it aims to foster ethical awareness and religious accountability rather than blanket denunciation.

In conclusion, the article offers a model for understanding Qur'anic interreligious discourse as a function of historical immediacy, theological concern, and moral instruction. The Qur'an's more extensive critique of Judaism reflects the socio-political context of the Prophet's time, especially the confrontations with local Jewish tribes. Christianity, though doctrinally divergent, is treated more leniently in tone, perhaps due to its geographical and political distance from early Islamic society. The overall analysis suggests that Qur'anic references to other religions are not merely polemical but are rooted in a complex matrix of theology, ethics, and historical

contingencies. Consequently, this study underscores the importance of context in interpreting interfaith themes within the Qur'an. It also highlights the Qur'an's capacity to critique and affirm, to challenge and connect, offering a multidimensional approach to religious otherness. This has enduring relevance for contemporary interfaith dialogues, calling for both critical engagement and respectful understanding.

References

- Andisheh, H. (2014). Revelation in Islam, Christianity, and Judaism.
- Arzani, H., & Ehtemam, H. (2015). The Model of Intercultural Communication Between Muslims and Christians in the Holy Quran. *Comparative Theology*, 6(14), 89-106.
- Ashtiani, J. (1989). *A Study of Christianity*. Negarash Tehran Publishing.
- Cox, H. (1999). *Christianity PB - University of Religions and Denominations Publishing*.
- Gelayeri, A. (2005). A Look at the Relationship Between Islamic Laws and Other Religions JO - Ravaq Andisheh Journal. (40), 81-93.
- Hekmat, A.-A. (1965). *History of Religions*. Ibn Sina Publishing.
- Khalifa, M., & Hassan, A. (1998). *History of the Jewish Religion*. Dar Qabaa Publishing.
- Parcham, A., & Habibollahi, M. (2013). The Origin of Jewish Ethics in the Old Testament. *Scientific-Research Biannual Journal of Religious Studies*, 7(13), 65-89.
- Qurashi, S. A. A. (2008). *Qamus al-Quran*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Rezapour, A. (2002). Judaism from the Perspective of the Quran. *Ravaq Andisheh Journal*(13).
- Shaker, M. K. (2012). A Historical Interpretation of Judaism Based on the Holy Quran. *Scientific-Research Quarterly of Ketab-e Qayyem*, 2(6), 7-30.
- Soleimani, A. (2008). A Look at Jewish Theology in the Holy Quran. *Haft Aseman Quarterly*, 10(40), 41-72.
- Soleimani, A., & Soleimani, A. (2002). The Holy Quran and the Prophets' Glad Tidings A Look at Jewish Theology in the Holy Quran. *Haft Aseman Quarterly*, 10(16), 41-72.
- Tiwari, K. (1999). *Comparative Religion*. Mohsen Publishing.
- Vaez, B., & Kardel Ilvari, R. (2012). A Comparative Explanation of the Theoretical, Legal, and Ethical Foundations of Islam, Judaism, and Christianity.

Quranic Knowledge Research Journal,
3(9).
Zamani-Mahboub, H. (2006). Judaism
Confronting the Great Prophet (PBUH).
Hosoon Journal(9).